

# کاشی و کاشی کاران طهران در عصر قاجار

کیانوش معتقدی





سرشناسه: معتقدی، کیانوش، ۱۳۶۱ - عکاس: عنوان و نام پدیدآور: کاشی و کاشی کاران طهران در عصر قاجار • نویسنده: کیانوش معتقدی • ویراستار علیرضا بهارلو • مشخصات نشر: تهران: دانیار، ۱۴۰۱ • مشخصات ظاهري: [۲۷۲] ص: مصور (رنگي) • شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۸۵۲۵-۷-۶ • وضعیت فهرست تویسی: فیبا • موضوع: کاشی و کاشی کاری ایرانی — تاریخ — قرن ۱۳ قم • موضوع: کاشی ایران — تهران — تاریخ — قرن ۱۳ قم • موضوع: نقاشی روی کاشی ایران — تهران — تاریخ — قرن ۱۳ قم • موضوع: شناسه افزوده: بهارلو، علیرضا، ۱۳۶۳، ویراستار • موضوع: ایران — تاریخ — قاجاریان، ۱۱۹۳ — ۱۳۴۴ قم • مصوّر • شناسه افزوده: بهارلو، علیرضا، ۱۳۶۳، ویراستار • رده بندی کنگره: NK ۴۶۷/۷-۷۳۸/۶-۹۵۱۲۲۱ • شماره کتابشناسی ملی: ۸۹۷۵-۹۱ • وضعیت رکورد: فیبا



مطالعات هنر و معماری قاجار - ۵

دیبر مجموعه: علیرضا بهارلو و کیانوش معتقدی

## کاشی و کاشی کاران طهران در عصر قاجار

نویسنده و عکاس: کیانوش معتقدی

ویراستار: علیرضا بهارلو

ویرایش تصاویر: نامی ناموریکتا

گرافیک: استودیو دانیار

چاپ و صحافی: باما- معین

تیراز: ۵۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۱

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۸۵۲۵-۷-۶

قیمت: ۳۲۰ هزار تومان

**دانیار**  
نشر دانیار

حق چاپ برای نشر دانیار محفوظ است.

خیابان سید جمال الدین اسد آبادی، خیابان شصتم ج، پلاک ۷

تلفن: ۰۹۳۰۰۶۵۵۰۴۸

ایمیل: danyarpub@gmail.com

# کاشی و کاشی کاران طهران در عصر قاجار

## کیانوش معتقد





## فهرست

۶	مقدمه
۸	منابع مطالعات کاشی‌های سبک تهران
۱۳	تاریخچه کاشی در ایران
۲۳	تاریخچه کاشی در تهران
۲۶	قالب و قاب‌بندی در کاشی‌های سبک تهران
۲۹	رسالاتی در ساخت کاشی هفت‌رنگ
۳۴	امضا و رقم‌های کاشی‌کاران تهران
۳۹	کتابنامه
۴۱	نقوش گیاهی و حیوانی
۵۹	نقش شیر و خورشید
۶۵	مجالس بزم و ضیافت
۷۷	گلگشت و دیدار دلدادگان
۹۱	شکارگاه، سوارکاری و چوگان‌بازی
۱۰۹	پادشاهان، شاهزادگان و صف سلام
۱۳۳	رجال، نظامیان و خارجی‌ها
۱۵۱	اصناف و مشاغل
۱۵۹	مضامین عاشقانه و عارفانه
۱۷۱	مضامین حماسی و باستانی
۱۹۷	مضامین مسیحی
۲۰۳	زنان و فرشتگان
۲۱۵	عجبی‌نگاری
۲۲۳	بناهای و منظره‌پردازی
۲۳۹	سقاخانه‌های تهران
۲۴۵	دروازه‌ها و سردرها
۲۵۳	کتیبه‌های خوشنویسی

## مقدمه

سلسله قاجار نزدیک به یکصد و چهل سال بر ایران حکومت کرد و برخلاف شیوه حکومداری و شرایط سیاسی و اقتصادی کشور، تحولات هنر و معماری این دوران از منظر تاریخنگاری هنر، وضعیتی پویا و رو به رشد داشت. در این دوران سبک تازه‌ای از نقاشی فیگوراتیو با زیبایی‌شناسی خاصی در دربار تهران پرورش یافت، که در بررسی این مسئله «روایت» و «کارکرد» تصویر در تعامل با ساختار نقاشی ایرانی اهمیت ویژه‌ای یافت.

از سوی دیگر و به دلیل روابط نسبتاً گستردۀ قاجارها با کشورهای غربی از دوره فتحعلی‌شاه و بعد از به سلطنت رسیدن ناصرالدین‌شاه قاجار، سبکی اختصاصی در کار کاشی‌کاران تهران پدیدار گردید که در آن موضوع پیکرنگاری (متاثر از عکاسی) و استفاده از نقوش تزئینی فرنگی، به سمت نوعی طبیعت‌گرایی گرایش بیشتری یافت و کم‌کم از هنر تجریدی معمول فاصله گرفت.

با وجود آنکه سبک کاشی‌کاری اینهۀ تهران در دوران فتحعلی‌شاه تحت تاثیر مستقیم مکتب کاشی‌کاری شیراز بود، سفالگران و کاشی‌سازان عهد ناصری (در سبک تهران) رونق تازه‌ای به این هنر دادند و حجم بالای تولید کارگاه‌ها، در کنار نوآوری‌های تکنیکی در ساخت بدنه و تاثیر فناوری‌های نو (چاپ و عکاسی) و شیوه نقاشی زیرلعابی، مسبب زیش سبکی اختصاصی برای کاشی و کاشی‌ذگاران تهران گردید.

پس از توسعه تهران در سال ۱۲۸۴ق و با افزایش مهاجرت استادکاران شیرازی و اصفهانی به دارالخلافة تهران، برخی نقشمایه‌ها و شیوه‌های تولید و رنگ‌آمیزی کاشی‌های پایتخت متحول گردید و ساخت و سازهای درون ارگ سلطنتی و کاخ‌های جدیدی که به دستور ناصرالدین‌شاه در خارج از تهران ساخته شد، فرستنی رافراهم آورد تا کاشی‌سازان نمونه‌های ممتازی از انواع کاشی‌های هفت‌رنگی و زیرلعابی را برای تزئین این بنای سلطنتی (همچون کاخ سلطنت آباد) تهیه و تولید کنند. در ادامه و به‌واسطه افزایش سفارش‌های خارجی‌های مقیم تهران (همچون مردак اسمیت و مُسیو لومر) و حمایت آنان از تولید کاشی‌های تصویری (عکسی) و گاه بازتولید آثار سبک قدیم، سطح کیفی کاشی‌های تهران بالاتر رفت و در مواردی، تکنیک‌های فراموش شده‌ای همچون زرین فام، به دست کاشی‌سازانی همچون استاد علی محمد اصفهانی دوباره احیا شد.

کتاب حاضر پژوهشی است تاریخی - توصیفی برای شناسایی و معرفی «سبک کاشی‌ها و کاشی‌کاران تهران» در عهد قاجار که با روش مطالعه کتابخانه‌ای و بررسی‌های میدانی سامان یافته است. در اینجا موضوع کاشی به عنوان یک عنصر تزئینی در معماری ایرانی با توجه به کارکردهای تصویری و سبک نقاشی آن طبقه‌بندی شده است.

با وجود آنکه کاشی در فضاهای سلطنتی حضور داشته، ولی همزممان گفتمان هنر عامیانه در ساختار تصویری کاشی‌کاری قاجار غالب‌تر است و در بیشتر موارد، سازندگان، طراحان، سفارش‌دهندگان، سوژه‌ها و خردیاران این نوع آثار، وجه درباری نداشته‌اند. بنابراین تحلیل گفتمانی کاشی‌ها قاجاری تهران (متعلق به ژانر هنر عامیانه) در مقایسه و نسبت با دیگر هنرهای صناعی می‌تواند در آشکار ساختن تأثیر و برهمنکش شرایط اجتماعی و فرهنگی ایران به مثابه یک محصول زیبایی‌شناختی برآمده از بطن جامعه ایرانی و سنت‌های تصویری عامیانه مفید و آگاهی‌بخش باشد.

شایان ذکر است که در این پژوهش به موضوع نشانه‌شناسی و روابط بین‌امتنی در کاشی‌های دوره قاجار و دلالت و معنا در نظام‌های نشانه‌ای نپرداخته‌ایم، لیکن تنها در بخش تصاویر کارت پستالی، مناظر اروپایی و روایات مسیحی، به دلیل الگوبرداری‌های مستقیم کاشی‌نگاران از تصاویر، چاپنششها و باسمه‌های فرنگی، مفهوم «فرنگی‌کاری» یا به اصطلاح «فرنگی‌سازی» را در کاشی‌های دوره قاجار با نمونه‌های اصلی مقایسه کرده‌ایم. همچنین در مورد گرته‌برداری‌های کاشی‌نگاران از رسانهٔ عکاسی نیز اصل عکس‌های در مقابل کاشی‌ها آورده شده تا خوانندگان بتوانند تأثیر این دو رسانه هنری را بر یکدیگر مقایسه و بررسی کنند.

غمونه‌های ارائه شده در این پژوهش از مجموعهٔ بزرگ کاشی‌های موجود در بنای‌های قاجاری تهران، کلکسیون موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی (داخلی و خارجی) و آثار فروخته شده در حراج‌های بین‌المللی گزینش شده و نگارش، گردآوری مطالب و عکسبرداری از آنها نزدیک به ۵۰ سال زمان برده است.

در این پژوهش برای مطالعه و بررسی مطالب مرتبط با پیشینه و شیوه‌های ساخت و تولید کاشی‌های عهد قاجار از مقالات و مکتوبات جنیفر اسکرس، مویا کری و فردیکه فوکت بهرهٔ فراوانی بردم و همین‌جا قدردان زحمات ایشان برای معرفی هنر ایران هستم. همچنین سپاسگزار تلاش‌های ارزشمند حسین زمرشیدی، هادی سیف، عباس اکبری، محمدرضا ریاضی، مهدی مکی‌نژاد، عاطفه سید موسوی و زهرا خادمی هستم که پیش از اینجانب پژوهش‌های گرانقدیری را در زمینه کاشی‌های قاجاری منتشر کرده‌اند.

در پایان لازم از همکاری دکتر علیرضا بهارلو، نامی ناموریکتا، دکتر مسعود نصرتی، لدن قربانی، نسرین خلیلی، احمد مرشدلو و انسیه سادات موسوی صمیمانه تشکر کنم که هریک به نوعی در شکل‌گیری این پژوهش نقش تأثیرگذار داشتند. امیدوارم این کتاب برای مطالعهٔ علاقمندان به هنر کاشی‌کاری، تهران‌پژوهان، دانشجویان و پژوهشگران هنر منبعی مفید و کارآمد باشد. تا چه قبول افتند...

کیانوش معتقدی

طهران ۱۴۰۱-

## منابع مطالعات کاشی‌های سبک تهران

در میان منابعی که به کوشش محققان ایرانی و غربی درباره کاشی و کاشی‌کاران سبک تهران دوره قاجار (در یک ترتیب زمانی) انتشار یافته، جنبه‌های مختلف تاریخی این آثار بیش از هرچیز مورد نظر بوده و عموماً محتوای این کتاب‌ها، تاریخ‌نگاری هنر و جمع‌آوری داده‌های بصیری و صرفاً توصیفی است. در همین زمینه مهمترین کتاب‌های منتشرشده در سه دههٔ اخیر که برای نگارش این اثر مورد مطالعه نگارنده قرار گرفته‌اند، به شرح ذیل معرفی می‌گردند. البته تعداد زیادی مقاله و چند پایان‌نامه نیز در همین زمینه انتشار یافته که مورد توجه این پژوهش بوده و فهرست کاملی از آنها در بخش کتابنامه برای مطالعه بیشتر آورده شده است.

محمود ماهرالنقش در چندین کتاب و از جمله «طرح و اجرای نقش در کاشی‌کاری ایران» (۱۳۶۱) به مطالعه نقوش هندسی در کاشی‌های معرق و هفت‌رنگ ایران پرداخته است و عموماً بخش پایانی همهٔ پژوهش‌های وی به مطالعه این نقشماهی‌ها در کاشی‌کاری دورهٔ قاجار اختصاص دارد. محمدیوسف‌کیانی در کتاب «مقدمه‌ای بر هنر کاشیگری ایران» (۱۳۶۲) به معرفی انواع تکنیک‌های ساخت و طراحی کاشی در ایران پرداخته و پیشینه‌ای از ساخت کاشی‌های هفت‌رنگ ارائه کرده است. حسین زمرشیدی از چهره‌های شناخته‌شده در زمینهٔ مطالعات کاشی‌کاری ایران و به خصوص طرح‌های کاشی معقلی است که در کتاب «کاشی‌کاری ایران: گلچین معقلی» (۱۳۷۳) سبک‌های مختلف محلی و ساختار کلی این هنر را تا پایان دورهٔ قاجار مورد بررسی قرار داده است.

محمدیوسف‌کیانی در کتاب دیگری تحت عنوان «تزئینات وابسته به معماری ایران دورهٔ اسلامی» (۱۳۷۶) به بررسی تاریخچه هنر کاشی‌کاری پرداخته است. اما نخستین پژوهش سودمند درباره کاشی‌های دورهٔ قاجار را هادی سیف با عنوان «نقاشی روی کاشی» (۱۳۷۶) منتشر کرده است که اساس بسیاری از پژوهش‌های بعدی و بی‌تردید منبعی مهم برای مطالعه کاشی‌کاری ایران از دورهٔ قاجار تا زمان حاضر به شمار می‌آید.

مهند مکنیزاد در کتاب «تاریخ هنر ایران در دورهٔ اسلامی: تزئینات معماري» (۱۳۸۸) پژوهشی در خصوص تاریخچه تزئینات و آرایه‌های وابسته به معماری ایران ارائه کرده که به بررسی روند تحول تزئینات و شیوه‌های آجرکاری و کاشی‌کاری می‌پردازد. کتاب «کاشی‌کاری قاجاری» (۱۳۹۵)، تألیف محمدرضا ریاضی،

گزاره‌های تحقیقی و حساب‌شده‌ای را در بررسی هنر کاشی‌کاری دورهٔ قاجار به بحث گذاشته است. ریاضی با گردآوری تصاویر و اسناد، با روش توصیفی و با دقت افزون‌تری در مقایسه با پژوهشگران پیش از خود، مسئلهٔ کاشی‌های دورهٔ قاجار را از چشم‌اندازهای مختلف مورد مطالعه قرار داده است. وی علاوه بر بررسی تأثیر چاپ‌سنگی و عکاسی بر تصویرگری کاشی‌های این دوران، موضوع سبک‌شناسی کاشی‌های قاجار را در گسترهٔ ایران در سه سبک اصلی تهران، اصفهان و شیراز به بحث گذاشته است. پروژهٔ «تهران در قاب کاشی» (۱۳۹۸) عنوان دو غایشگاه عکس است که توسط فاطمه مجذبی و همایون عبدالرحیمی در چند سال اخیر با مرکز بر مستندنگاری کاشی‌های تصویری تهران عصر قاجار انجام و کتابی هم با همین عنوان توسط این دو عکاس و پژوهشگر اخیراً منتشر شده است. نگارندهٔ این سطور نیز در سه کتاب «کتبیه‌های نستعلیق تهران» (۱۳۹۴)، «محراب‌های سفالین ایرانی» (۱۳۹۷) و «دوازه‌های تهران» (۱۳۹۹) موضوع کاشی‌های سبک تهران را مورد بررسی قرار داده است. همچنین مهدی مکی‌نژاد به‌تازگی در کتابی با عنوان «زندگی و احوال علی محمد اصفهانی» (۱۴۰۰) سبک کار و جایگاه این هنرمند برجستهٔ عهد ناصری را به تفصیل بررسی کرده است.

\* \* \*

در میان پژوهشگران غربی، یکی از قدیمی‌ترین گزارش‌ها دربارهٔ کاشی و کاشی‌کاران عهد قاجار توسط رابت مردادک اسمیت<sup>۱</sup> (رئیس ادارهٔ تلگراف ایران در دورهٔ ناصری) در کتابی با عنوان «هنر ایران» نگاشته شده، که در آن به هنر کاشی‌سازی ایران با استناد به آثار و اطلاعات علی‌محمد اصفهانی (رساله‌ای در فن کاشی‌سازی) پرداخته شده است.

در عصر حاضر، نخستین پژوهش‌های منسجم توسط جنیفر اسکرس<sup>۲</sup> (محقق و موزه‌دار اسبق اسکاتلندي) انجام پذیرفته که تاکنون در قالب جستارهای متعددی در موضوعاتی همچون مضامین روایی و مذهبی در کاشی‌کاری دورهٔ قاجار، جایگاه نقش و رنگ در کاشی‌کاری این دوره و زندگی و آثار علی‌محمد اصفهانی (در کتاب «شکوه هنر قاجار»، ۱۳۹۹) به طبع رسیده است. همچنین اسکرس از جمله نخستین پژوهشگران غربی است که ایدهٔ سبک‌شناسی را در این عرصه مطرح کرده و با بررسی دقیق آثار علی‌محمد اصفهانی، سبک کار وی را مورد مطالعه قرار داده است.

ویلم فلور<sup>۳</sup> (ایران‌شناس و نویسنده) در پژوهشی جامع با عنوان «صنایع کهن در دورهٔ قاجار» (۱۳۹۳)، بعد از معرفی صنایع و اصناف مختلف این دوره، متن رساله‌ای علی‌محمد اصفهانی را دربارهٔ شیوهٔ ساخت کاشی‌های هفت‌رنگ به انگلیسی ترجمه و منتشر کرده است.

بررسی کاشی‌های باغ و عمارت فرمانفرما در شمال تهران که چندین دهه است تحت تملک سفارت ایتالیا در تهران قرار دارد، دستمایهٔ انتشار کتابی ارزشمند به زبان انگلیسی و با مقاله‌ای از یحیی ذکاء دربارهٔ کاشی‌های تولیدشده در تهران عصر قاجار بوده و فوئنه‌های ممتازی از کاشی‌های تهران در آن منتشر شده است.

ونیشیا پورتر<sup>۱</sup> در کتاب «کاشی‌های اسلامی» (۱۳۸۱) به بررسی تاریخچه کاشی‌سازی در جهان اسلام پرداخته و انواع تکنیک‌ها و مراکز تولید را در ایران بررسی کرده است. از سوی دیگر، فردیکه فوکت<sup>۲</sup> در سال‌های اخیر مطالعه کاشی‌های قاجاری تهران و به خصوص نمونه‌های تصویری از جمله مجموعه کاشی‌های اصناف در «موزه مردم‌شناسی برلین» و کاشی‌های برجسته با نقش سوارکار را در دستور کار قرار داده است.

کاتالوگ نمایشگاه «امپراتوری گل سرخ»<sup>۳</sup> که در سال ۲۰۱۷ م در «موزه لوور-لانس» فرانسه برگزار شد، منبع جدیدی درباره هنر قاجار به شمار می‌آید که در بخش‌هایی به معرفی کاشی‌های قاجاری موجود در چند موزه معتبر اروپا و یک مجموعه خصوصی می‌پردازد. مoya کری<sup>۴</sup> نیز در کتاب «هنر ایران: مجموعه آثار ایران در موزه ویکتوریا و آلبرت» (۲۰۱۷ م) مقاله‌ای جامع درباره تحولات کاشی‌کاری تهران در عهد ناصری نگاشته است و با ارائه تصاویر و اسنادی بسیار ارزشمند، به بررسی زندگی و آثار علی محمد اصفهانی و تأثیر مردگان اسمیت بر روند تولید کاشی در عصر قاجار می‌پردازد.

موزه هنرهای اسلامی مالزی نیز نمایشگاهی با عنوان «سرامیک‌های قاجار: پلی میان سنت و مدرنیته»<sup>۵</sup> را در سال ۲۰۱۹ م برگزار و کاتالوگی زیرنظر زهرا خادمی (مدیر پژوهش و کیوریتور) با مقالاتی از زهرا خادمی، جنیفر اسکرس، محمدرضا ریاضی و محمدحسن طالبیان منتشر کرد. در این کتاب که جزو تازه‌ترین منابع مطالعاتی کاشی قاجار محسوب می‌شود، فهرست و نمونه‌های شاخصی از آثار استادان کاشی‌ساز این دوره، به خصوص نمونه‌هایی از کاشی‌های سبک تهران ارائه شده است.

کاشی، تکنیک نقاشی زیرعلایه  
دیوان‌خانه مازندران (ساز:  
دوره قاجار، تالار سلام آ  
گلستان تهران)



سردر ورودی کاخ ساری، با  
قاب کاشی‌کاری نقش نبرد  
رستم، دوره قاجار، عکس از  
آرشیو کتابخانه مجلس





## تاریخچه کاشی در ایران

کشور ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی و تاریخی اش، از دیرباز تاکنون میزبان اقوام و فرهنگ‌های مختلف بوده و از تاریخچه هنری غنی و چندهزارساله برخوردار است. کاشی و کاشی‌کاری یکی از کهن‌ترین هنرهای ایران و از جمله عناصر کلیدی در تزئینات وابسته به معماری ایرانی به شمار می‌آید. این هنر در ادوار تاریخی و با تکنیک‌های گوناگون با هدف زیباسازی اینیه مذهبی، سلطنتی، عام‌المنفعه و خانه‌ها تهیه و تولید می‌شده و بخش مهمی از تحولات تصویری و کتیبه‌نگاری ایران را می‌توان در این میان مورد بررسی قرار داد.

از جمله قدیمی‌ترین نمونه کاشی‌(خشت)‌های لعابدار (با نقش‌ماهیه‌های پیکره‌وار، حیوانی و گیاهی) می‌توان به مجموعه خشت‌های منقوش مکشوفه از محوطه مانایی قلاچی در بوکان اشاره کرد که قدمتی چند هزار ساله دارد.<sup>۱</sup> ادامه این سنت را می‌توان در خشت‌های منقوش منطقه باباجانی در لرستان<sup>۲</sup> (از دوره ماد) نیز مشاهده کرد که نشانه‌ای روشن از اهمیت نقاشی روی بدنه‌های سفالی برای تزئین داخلی بنا از روزگار باستان است.

روند تحولات تکنیکی و نقش‌ماهیه‌ها در مجموعه آجرهای لعابدار دوره هخامنشی<sup>۳</sup> (شوش و تخت جمشید) به اوج شکوفایی خود رسید و تا پایان دوره ساسانی، استفاده از کاشی‌(خشت)‌های لعابدار منقوش برای تزئین کاخ‌ها و بنایهای مذهبی در سراسر ایران بزرگ ادامه یافت.

با نگاهی به این پیشینه مدد و تنوع در سبک‌های معماری در ایران دوران اسلامی در می‌یابیم که با آمدن اسلام، بیشتر هنرهای کهن و به خصوص معماری باستانی ایران تحت تسلط دین جدید دستخوش تغییراتی اساسی گردید، و تزئینات وابسته به معماری از تحولی پویا برخوردار گشت. در این میان با تغییرات اساسی در ساختار معماری ابینه (بهویژه با ساخت مساجد)، موضوع تزئینات داخلی و خارجی و کاربرد کاشی‌های برجسته و لعابدار وارد مرحله تازه‌ای شد و تلاش‌های سفالگران سده‌های اولیه باعث ایجاد نهضتی جدید در کار ساخت و طراحی کاشی (خشت)‌های لعابدار گردید. در این دوران موضوع کتیبه‌نگاری (خوشنویسی) و اهمیت آن در ساحت معماری اسلامی، جایگاهی

۱ نک: حسین زاده، بیوفت و حکمت‌الله ملاصالحی، بررسی باستان‌شناسی محوطه مانایی قلاچی بوکان با تکیه بر آجرهای لعابدار موزه ملی ایران، اشارات پژوهشکار میراث فرهنگی، ۱۳۹۶.

۲ در معدید بوسیج حار تیه در لرستان که معماری آن به شکل چلپیاست، مجموعه خشت‌های منقوش برای تزئینات کف بنا تولید شده نقوش هندسی ساده‌ای دارد و با اکسید اهن روی بدنه سفالیں نقاشی شده‌اند. نمونه این خشت‌ها در موزه ملی ایران نگهداری می‌شود.



قاب آجر نقش بر جسته لعابدار با نقش شیر، از کاخ شوش، دوره هخامنشی، موزه لوور پاریس

تعیین‌کننده‌ای یافت و تا استیلای سلاجقه بر ایران و آناتولی، به مهمترین مظاهر بروز مفاهیم معنوی و عرفانی در هنر بدل شد و در تزئینات مساجد و امکان مذهبی رکن اصلی را ایفا می‌کرد. یکی از قدیمی‌ترین نمونه‌های یافت شده از کتیبه‌های خشتی لعابدار دوران اسلامی «موزه ملی ایران» نگهداری می‌شود. هرچند به باور شهریار عدل، کتیبه‌های بر جسته منار مسجد جامع دامغان، از جمله قدیمی‌ترین نمونه‌های لعابدار باقیمانده در میان بناهای سده پنجم هجری به شمار می‌آیند.

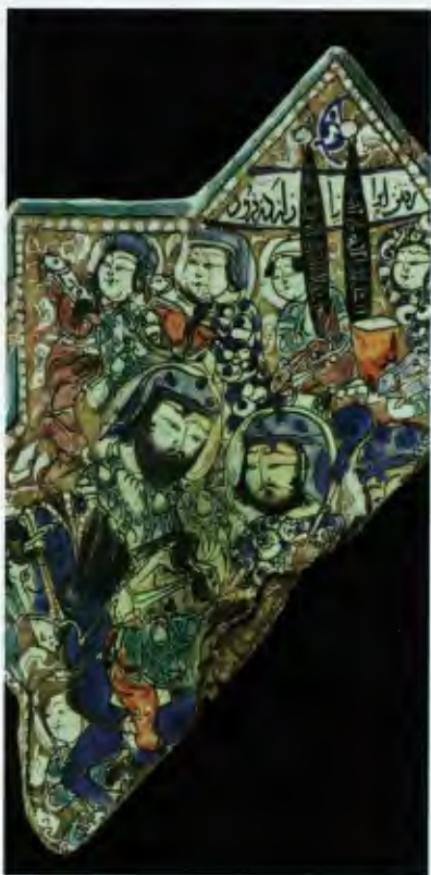
با آغاز سده پنجم هجری کاربرد آجر در ساخت و تزئین بنها رونق بیشتری یافت و نخستین نمونه از کاشی‌های لعابدار تکرنگ فیروزه‌ای و لاجوردی برای پوشش بناهای تزئین تولید گردید. از میانه سده ششم و همزمان با تولید نمونه‌های تکفام، تکنیک ویژه «مینایی» در مراکزی همچون ری، نیشابور و کاشان با هدف تولید انواع ظروف و کاشی‌ها توسعه یافت و آثار چشم‌نوازی با این روش تا اوایل دوره ایلخانی تهیه و تولید شد. اما تا پیش از استقرار ایلخانان مغول در ایران، مهمترین و پرکاربردترین تکنیک کاشی‌سازی، «زرین فام» بود که در سطح گستره‌های برای تزئین ازاره بناهای، محراب‌ها و لوح مزارات بناهای شیعی در سطح گستره‌ای به کار می‌رفت.



خشش لعابدار مکشوفه از جرجان،  
بخش اسلامی موزه ملی ایران



کاشی نگین، ترکیب با گچبری، با نقش هندسی، سده چهارم ق، مکشوفه از گرگان، گنجینه موزه ملی ایران



کاشی لعابدار، تکنیک مینایی، با نقشی از داستان شاهنامه، سده ششم ق، احتمالاً کاشان، این کاشی یکی از قدیمی‌ترین آثار هنر ایران با تصویری از شاهنامه به حساب می‌آید، موزه بوستون، آمریکا

اصلی‌ترین مرکز تولید سفالینه و کاشی‌های زرین فام تا پایان حکومت مغولان در ایران، شهر کاشان بود و به همین دلیل واژه «کاشی» از نام این شهر اقتباس شده است. با آغاز عهد تیموری بود که تکنیک رنگارنگ کاشی «معرق» (موزاییک) به طرزی فراگیر برای تزئین ماهای بیرونی و داخلی بناهای ایران و در گستره بزرگی از جغرافیای فرهنگی ایران مورد استفاده قرار گرفت. تکنیک کاشی معرق که از کنار هم قراردادن موزاییک‌های کوچک و به شکل یک پازل روی هر نوع سطح برآمده یا تورفتگی قابلیت نصب و اجرا داشت، در سده‌های هشتم و نهم هجری جلوه تازه‌ای به نمای انواع کاخ‌ها و بناهای مذهبی و عمومی داد.

با روی کارآمدن سلسله صفوی و به خصوص در دوران سلطنت شاه عباس، کاشی‌کاران ایرانی تکنیک «کاشی هفت‌رنگی» را در اصفهان تثیت و جایگزین کردند و بسیاری از بناهای پایتخت نوپایی صفوی با انواع نقش و کتیبه‌ها تزئین یافت.

سنت ساخت کاشی‌های مربع‌شکل که با انواع رنگ‌ها و با تکنیک نقاشی زیرلعلی تزئین یافته بود، پس از این دوره به دست هنرمندان شیرازی و در طول دوران زندیه به اوج شکوفایی خود رسید. آنچنان‌که در شیراز عصر کریم‌خان رنگ‌های تازه‌ای همچون صورتی و قرمز و انواع نقش گل‌های رنگارنگ همچون رز و زنبق وارد سبک کار کاشی هفت‌رنگ شد.

لازم به یادآوری است که برخلاف تصور بسیاری از تزئینات کاشی‌کاری در بناهای دوران



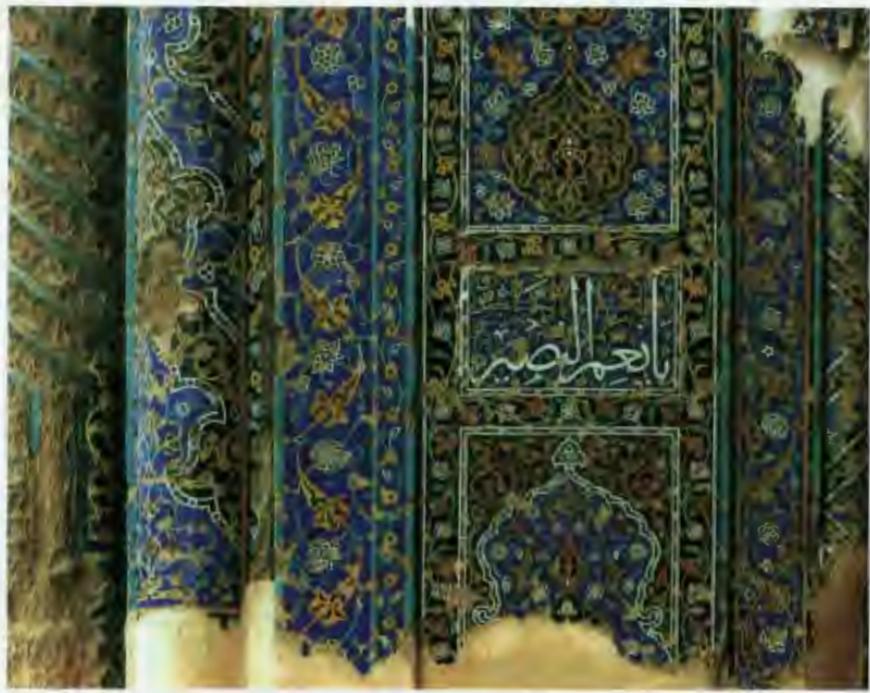
قاب کاشی‌های هشت‌پر و چلپیا، تکنیک زرین فام، با نقوش گیاهی، حیوانات و پیکره‌وار، ساخت کاشان، دوره ایلخانی،  
موزه لوور، پاریس



کاشی‌های مشبک و قالبی، با نقوش اسلامی، دورهٔ تیموری، آسیای میانه، مجموعهٔ خصوصی

صفوی و زندیه که تا امروز بر جای مانده، در واقع در دورهٔ قاجار و در اثنای بازسازی این بنها توسط کاشی‌نگاران این عصر (با الهام و گرته‌برداری از نمونه‌های قدیمی‌تر) طراحی و تولید شده‌اند. هرچند سنت تزئین بناهای مذهبی و کاخ‌ها با استفاده از کاشی از دورهٔ صفوی به دورهٔ زندیه انتقال یافت و در شیراز شاهد تکامل و پویایی در کار کاشی‌سازان و رنگ‌های جدید در تکنیک هفت‌رنگ هستیم. این سنت وقتی که تهران به عنوان پایتخت انتخاب شد، توسط کاران شیرازی به تهران انتقال پیدا کرد. با آغاز دورهٔ قاجار، نهضت هنری جدیدی بنیان گذارده شد که تکمله‌ای بر ۵ قرن هنر کاشی‌سازی ایرانی بود. با آغاز سلطنت سلسلهٔ قاجار، فضای شهر تهران به سرعت توسعه یافت و بناهای مختلفی در مدت‌زمانی کوتاه ساخته شد. بخشی از این ساخت و سازها شامل گسترش فضای داخلی ارگ سلطنتی تهران بود، اما بیرون از دیوارهای ارگ نیز تعداد زیادی بنای عمومی و عام‌المنفعه ساخته شد. در میان این بناهای که عموماً مذهبی بودند، شاهد شکل‌گیری روند تازه‌ای در سبک معماري و تزئینات وابسته به آن در دوران سلطنت فتحعلی‌شاه هستیم.

در میان بناهای مذهبی تهران، در آغاز آنچه بیش از همه اهمیت یافت، ساخت مسجد جامع (مسجد سلطانی) با پلان و سبکی متأثر از معماری گورکانیان هند در ورویدی بازار و سپس مساجد و مدارس متعددی در سطح شهر بود. البته تا این دوران بیشتر تزئینات بناهای تهران تحت تاثیر سبک کار هزمندان اصفهانی و شیرازی، هنوز سبک تازه‌ای را به ارمغان نیاورد. در این میان، حمایت‌های شخص فتحعلی‌شاه قاجار از تصویرگری و احیای برخی هنرهای فراموش شده همچون پیکرزنگاری (نقاشی دیواری)، نقش‌برجسته‌سازی و کتیبه‌نگاری نستعلیق اهمیت فراوانی یافت و تهران به کانون تولید مهم‌ترین آثار سلطنتی بدل گردید. فتحعلی‌شاه در ساختار حکومت و همچنین حمایتش از هزمندان و ایجاد کارگاه‌های سلطنتی، پادشاهان و دربار سلسلهٔ صفوی را الگوی خود قرار داد. از این جهت بسیاری از هزمندان از سراسر ایران؛ از شیراز، اصفهان و تبریز و... به تهران مهاجرت کردند.



کاشی کاری پیش تاق مسجد کبود، تکنیک معرق، نقوش گیاهی و کتبه خوشنویسی، تبریز، دوره ترکمانان



قاب کاشی کاری، تکنیک هفت رنگ، نقش گلگشت در باغ، اصفهان، دوره صفوی، بخشی از تزئینات کاخ هشت بهشت

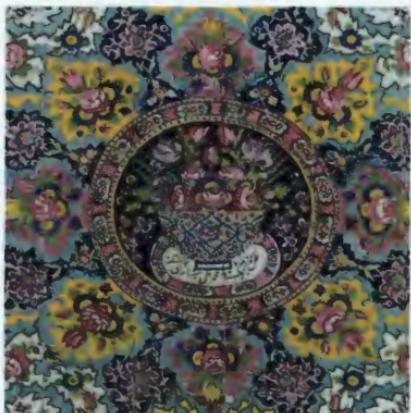


نمونه کاشی‌های موسوم به «کوچه»، چهره‌های ملهم از مکتب نگارگری اصفهان، دورهٔ صفوی، مجموعهٔ خصوصی

در حقیقت نظام حکومتی ایران در عصر قاجار، نوعی هنرپروری متمرکز را در دربار پدید آورد. شاهان و شاهزادگان مهم ترین سفارش دهنگان آثار هنری و نافذترین حامیان هنر بودند. نتایج این هنرپروری عبارت بود از: مشروط شدن رشد هنر به اوضاع سیاسی، تاثیر مستقیم سلیقه سفارش دهنده در تولید آثار و پیدایش سبک‌های رسمی.

در میان انواع هنرهای صناعی ایرانی، کاشی‌کاری از محدود حوزه‌های هنر و فرهنگ در سدهٔ سیزدهم هجری بود که به مثابهٔ رسانه‌ای کاربردی و چندمنظوره در زندگی درباری و به طور همزمان در جامعهٔ ایرانی حضوری پررنگ داشت. آنچنان‌که در طول زمانی بیش از یکصد سال، نه تنها جمع کثیری از کاشی‌کاران، نقاشان و خوشنویسان ایرانی در اعتلای آن تلاش کرده‌اند، بلکه به دلیل ورود نقشماهی‌های انسانی و تحت تأثیر مضامین باستانی، مناظر اروپایی و نقوش فرنگی به فضاهای تازه‌ای دست یافته که پیش از آن با چنین وسعت و قوی قرین نبود.

نباید فراموش کنیم که گنجینهٔ فنون و رنگ‌هایی که کاشی‌کاران عصر قاجار در پی توسعهٔ آن بودند، عمیقاً ریشه در سنت تزئینی ایران زمین داشت که آثار و نشانه‌هایش در هنر تصویری هخامنشی و ساسانی (باستان گرایی) موجود بود و در دورهٔ قاجار همزمان با رونق یافتن مضامین باستانی این نقوش پیکره‌ای بودند که دستمایهٔ اصلی کار کاشی‌کاران قرار گرفتند. اما کاشی‌کاری قاجار به دلیل برخورداری از دو خصلت مهم، قابل تأمل و بررسی است: تنواع رنگ و نقش، و ادغام و یکپارچگی مضامین تصویری و روایی با گنجینه نقوش هندسی و گیاهی. از سوی دیگر به دلیل روابط نسبتاً گستردهٔ قاجارها در این دوران با کشورهای غربی، هنر ایران بیش از گذشته تحت تأثیر هنر غرب قرار گرفت. به همین دلیل، نقوشی که روی کاشی‌های این دوره دیده می‌شوند، به سمت طبیعت‌گرایی گرایش بیشتری داشته و کم‌کم از هنر تجربیدی فاصله گرفتند.



قاب کاشی کاری، تکنیک هفت رنگ، نقش ظرف چینی  
و کل‌ها، تهران، دوره محمدشاه، بخشی از تزئینات ایوان  
مسجد حاج رجبعلی تهران



قاب کاشی کاری، تکنیک معرق، نقش گرفت و گیر، اصفهان،  
دوره صفوی، ارائه شده در حراج کریستیز پاریس، ۲۰۰۸م

البته در دوره قاجار دو تکنیک هفت رنگ و نقاشی زیرلعابی با یکدیگر همراه شد و به همین دلیل تنوع در رنگ آمیزی و ظرافت در نقش پردازی بیش از گذشته توسعه یافت. لازم به یادآوری است، هفت رنگ اصطلاحی است که در حالت معمول رنگ‌های استفاده شده در آن عبارت است از: سیاه، سفید، لا جوردي، فیروزه‌ای، قرمز، زرد و حنایی (اکر). (ماهرالنقش، ۱۳۸۱، ۵۱)

به طور کلی کاشی‌های قاجار از لحاظ ابعاد و قطعات، بزرگ و یک تکه بودند و در بر جسته کاری‌های نقوش تصویری، متفاوت از نقش‌های سنتی دوران قبل و به دلیل نقش‌های طبیعت‌گرایانه و انعکاس موضوعات متنوع و حماسی، ملی و مردمی، بازتاب‌دهنده بخشی از هویت قاجار به شمار می‌آیند. (اسکارچیا، ۱۳۸۱، ۲۲۵)

آثار به جامانده از هنر کاشی کاری عصر قاجار را می‌توان بیش از همه در معماری دو دوره طولانی سلطنت فتحعلی‌شاه و ناصرالدین‌شاه مورد مطالعه قرار داد. شناخت سبک‌های تزئینی، در این ادوار تاریخی، عمده‌تاً با توجه به چند عامل به سادگی امکان‌پذیر است؛ از جمله انعکاس ذوق شخصی حاکم و سفارش‌دهنگان درباری و از طرفی، تأثیرات خارجی که در نتیجه برقراری روابط دیپلماتیک با هیئت‌های اعزامی بریتانیایی و فرانسوی در اوایل سده نوزدهم میلادی به وجود آمده بود.

کاشی‌کاری‌های سبک تهران در دوره اول قاجار (دوران فتحعلی‌شاه و محمدشاه) به لحاظ تکنیک ساخت و رنگ آمیزی تحت تأثیر مستقیم مکتب هنری شیراز بود، چرا که بیشتر سازندگان این کاشی‌ها هنرمندان شیرازی بودند. غونه این سبک کاشی کاری در «مسجد حاج رجبعلی» در محله سنگلاج تهران است. کاشی در بنای‌های عهد ناصری با دو تکنیک هفت رنگ و نقاشی زیرلعابی و با حضور کاشی کاران شیرازی و اصفهانی به یکی از مهم‌ترین تولیدات هنری تهران بدل گردید و تقریباً جدار بیرونی بیشتر مساجد، مقابر، مدارس و سقاخانه‌های تهران با کاشی‌های رنگارنگ پوشش یافتند. این تولیدات در

نتیجه طرح‌های بلندپروازانه او برای توسعه و بازسازی پایتخت، ارگ سلطنتی، اقامتگاه و مرکز اداری کاخ گلستان بود. هم‌مان با تحولات معماری پایتخت نوپای ایران، سبک معماري بنایی عمومی تهران و به طبع تزئینات وابسته آن نیز دچار تغییرات جالب توجهی شد؛ آنچنان‌که سنت‌های طراحی و ساخت و تزئین از دوره‌های گذشته همچنان ادامه یافت، سبک‌های نوینی در طراحی ساختمان‌ها و تزئینات آنها متأثر از فرنگ نیز با شیوه ایرانی تلفیق شد و در ادامه این مسیر بود که ساختمان‌هایی با نظام معماری جدید در ارگ سلطنتی ساخته شد.

دو دهه پس از روی کار آمدن ناصرالدین‌شاه، شهر کوچک تهران که تا آن زمان محصور در حصار طهماسبی بود، دیگر گنجایش جمعیت روبه رشد و ساختمان‌های تازه‌تاسیس دولتی را نداشت. این‌چنین شد که در سال ۱۲۸۴ قمری و با آغاز طرح توسعه تهران، ابعاد تهران چندبرابر شد و طبعاً در این فرصت ساختار شهرسازی تهران دوباره دستخوش تغییراتی چند شد. در این میان ساخت مساجد با طراحی‌ها و تزئینات تازه (متاثر از معماری فرنگی) بیش از گذشته متتحول گشت. گونهٔ ممتاز این رویکرد را می‌توان در سبک معماري التقاضی مسجد سپهسالار تهران به‌وضوح مشاهده کرد.

پس از آغاز توسعهٔ پایتخت، بیشتر کاشی‌کاران در ضلع جنوبی دارالخلافه (در نزدیکی دروازهٔ تازه تاسیس شاه عبدالعظیم) کارگاه‌های ساخت و تولید کاشی داشتند و بسیاری از پروژه‌های کاشی کاری بنایی‌های تهران و ری در همین کارگاه‌ها تهیه و تولید می‌شد. برجسته‌ترین آنها، استاد علی‌محمد اصفهانی بود که بر اساس آثار رقم‌دار باقیمانده از او، کارخانه‌اش در کنار دروازه شاه عبدالعظیم قرار داشته است. اما برخلاف علی‌محمد، آقاجان کاشی‌پز که کاشی‌کاری شناخته‌شده در اصفهان بود، پس از مهاجرت به تهران، در کنار دروازه دولت کارگاه خود را تاسیس کرد.

نکتهٔ حائز اهمیت اینکه کاشی همواره جزء معده مصالحی بوده که هم فرصت داشته تا در فضاهای سلطنتی و بنایی‌های دولتی استفاده و نصب شود و هم در تزئین دروازه‌های ورودی شهر و سپس در تزئینات خانه‌ها و فضاهای عام‌المنفعه مانند مساجد و حمام‌ها ورود پیدا کند. به همین دلیل با دو نوع کیفیت در لعاب‌کاری و نقاشی زیرلعلابی در کاشی‌های دورهٔ قاجار مواجه هستیم: گروه اول لعاب‌های شفاف و با کیفیت بالا و نقاشی‌های ظریف که بیشتر برای پروژه‌های سلطنتی و کاخ‌ها ساخته شده‌اند (کاشی‌های کاخ گلستان و سلطنت‌آباد) و گروه دوم لعاب‌های مات و با کیفیت نه‌چندان بالا (بازاری) با مضامین عامیانه که تولیدی انبوه داشتند.

کاشی‌های هفت‌رنگ دورهٔ قاجار از نظر تقسیم‌بندی نقوش و تزئینات، تنوع و گوناگونی دارند، هرچند می‌توان کاشی‌های این دوران را بر اساس مراکز تولید و سبک کار استادکاران هر منطقهٔ جغرافیایی نیز طبقه‌بندی کرد. با این همه، نقوش کاشی‌های قاجار را می‌توان به طور کلی به پنج گروه اصلی تقسیم کرد:

نقوش انسانی، شامل چهره‌های پادشاهان و رجال

- نقوش حیوانی و پرندگان
- نقوش گیاهی و اسلیمی
- نقوش هندسی
- کتیبه‌های خوشنویسی

از طرفی دو پدیدهٔ نوظهور چاپ و عکاسی از دوران ناصری به بعد روی طراحی نقوش کاشی‌ها تاثیر بسزایی گذاشتند و بسیاری از قاب‌های کاشی متأثر از تصاویر چاپی و عکس‌ها اجرا شد. در همین راستا طبقه‌بندی کاشی‌های دورهٔ قاجار از نظر مضامین و داستان‌های روایی به شرح زیر هستند:

- باستان‌گرایی
- شاهنامه، داستان‌های حماسی و شکارگاه
- داستان‌های عاشقانه و مجالس بزم
- نقوش اسطوره‌ای و عجایب‌نگاری
- داستان‌های مذهبی و روایت‌های عاشورایی
- پرترهٔ شخصیت‌های سیاسی، امامان شیعه و علمای دینی
- علماء، دراویش و عرفان
- اصناف و مشاغل
- نگهبانان و سربازان
- زنان و فرشتگان
- مناظر اروپایی، طبیعت بی‌جان و کارت پستال
- پرترهٔ خارجی‌ها





قاب کاشی‌کاری، تکنیک زیراعابی، تهران، دوره قاجار، کاخ سلطنت آباد

## تاریخچه کاشی در تهران

سابقه کاشی و کاشی‌کاری در تهران هم‌زمان با انتخاب این شهر به عنوان پایتخت و با آغاز سلطنت سلسله قاجار قابل مطالعه است. اما نمونه‌هایی از کتیبه‌ها و خشت‌های عابدگار در برخی بناهای مذهبی تهران به دست آمده که نشان می‌دهد تهران در سده‌های میانی اسلامی نیز دارای سنت ساخت کاشی بوده است. البته در میان اندک نمونه‌های موجود، گاه ردبای قطعاتی به چشم می‌خورد که احتمالاً در دیگر شهرها تولید شده بودند و بعداً به تهران فرستاده و به عنوان یادمان در بناهای این شهر نصب شده‌اند. مهم‌ترین نمونه موجود، قطعه خشت بر جسته سفالینی است که ظاهرآ کاربرد سنگ قبر (لوح مزار) داشته و با لعاب فیروزه‌ای تکرنگ تزئین یافته است. این قطعه منحصر بفرد امروز در گنجینه «موزه ملی ایران» نگهداری می‌شود اما نمونه مشابهی از آن نیز در بنای امامزاده یحیی (تهران) بر دیوار نصب شده که بر اساس مستندات موجود ظاهرا در دوره پهلوی از روی نمونه اصلی گرفته برداری شده و معلوم نیست به چه دلیل مولاژ (نسخه بدل) این قطعه ساخته و در امامزاده مذکور نصب شده است.

نگارنده پس از جستجو و تحقیق درباره این کاشی، دریافت که لوح سفالین مذکور، مربوط به سده ششم هجری، متعلق به همدان بوده و در اثنای تخریب بنای قدیمی مقبره باباطاهر در همدان کشف و به تهران منتقل شده و نهایتاً به گنجینه موزه ملی ایران راه یافته است و هیچ ارتباطی به تهران نداشته و نمونه بدل آن نیز که امروزه بر دیوار امامزاده یحیی قرار دارد به اشتباه توسط پژوهشگران و تهران‌شناسان به عنوان قدیمی‌ترین کاشی تهران معروف و شناخته می‌شود.

در بنای امامزاده یحیی دو لوح مزار سفالین (کاشی آبی-سفید) نیز وجود دارد که به دوره صفوی تعلق داشته و ظاهراً ساخت اصفهان است و باز معلوم نیست که چگونه به این بنا انتقال یافته و از چه زمانی در آنجا نصب بوده است. اما پر واضح است که بنا بر تکنیک ساخت و نوع تزئینات روی آن احتمالاً در شهر دیگری (که چنین سنتی در آن وجود داشته) ساخته شده و به تهران فرستاده شده و همچون لوح مزار فیروزه‌ای مذکور می‌تواند به تهران تعلق داشته باشد.

پس از روی کارآمدن فتحعلی‌شاه مجموعه ساختمان‌هایی در فضای داخلی ارگ سلطنتی و همچنین بناهای عمومی (شامل بازار، مساجد، امامزادگان و مدارس) در کنار کاخ‌ها و خانه‌های رجال ساخته و با انواع آرایه‌های هنری (گچبری، آجرکاری و کاشی‌کاری) تزئین شدند.

در آغاز، سبک کاشی‌کاری تهران (در عهد فتحعلی‌شاه) متاثر از مکتب شیراز بود و بسیاری از کاشی‌نگاران شیرازی به تهران مهاجرت کردند. از این جهت ترکیب‌بندی نقوش و رنگ‌آمیزی کاشی‌ها مستقیماً از سبک شیراز الگوبرداری شد. نمونه این سبک را می‌توان در کاشی‌های ورودی «مسجد شاه» تهران (مسجد امام خمینی) مشاهده کرد. با به سلطنت رسیدن ناصرالدین شاه سبک کاشی‌های تهران در پیوند با نقش‌مایه‌های فرنگی و مظاهر مدرنیته (متاثر از فرنگ) با بیان هنری تازه‌ای توسعه یافت و خیلی زود با مهاجرت کاشی‌نگاران اصفهانی به عرصه، هنر کاشی‌سازی تهران به اوج شکوفایی خود رسید.



لوح مزارات  
سفالین، نقاشی  
زیرلعابی، دوره  
صفوی، امامزاده  
یحیی، تهران



کاشی برجسته، لعاب فیروزه‌ای، مکشوفه از همدان، دوره سلجوقی، بخش اسلامی موزه ملی ایران